

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نویسنده: جوسلین سزاري
برگردان از: حمید بهشتی
۰۹ جون ۲۰۱۳

اسلام هراسی: ترس از دشمن داخلی و خارجی

چرا جوامع مسلمان و جوامع غرب را هنوز هم علیه یک دیگر معرفی می کنند، در حالی که هر گونه تصویری نسبت به تناقض آنها را انتشارات علمی رد کرده اند؟ توضیحاتی از جوسلین سزاري، ریاست پروژه تحقیقاتی «اسلام در غرب» در دانشگاه هاروارد.

در حالیکه در پژوهش های دانشگاهی فرضیه تناقض ادعائی میان اسلام و غرب به اندازه کافی رد شده است، این برداشت در مباحث فارسی زبان و شکل گیری سیاست حاکم منعکس نیست. به عکس: این باور که اسلام و غرب یک دیگر را نقض می کنند در ۱۵ سال گذشته تشدید هم شده است. زیرا برداشت از اسلام در غرب نه فقط به لحاظ دشمن خارجی است که آن را تهدید می کند، بلکه از درون نیز این تهدید به نظر می آید. به همین جهت بسیاری از مردم در اروپا و ایالات متحده آمریکا به مسلمانها، هم به صورت دشمن خارجی و هم به صورت دشمن داخلی می نگرند. فاصله گرفتن دائم میان اسلام و غرب حاصل کارهای دانشگاهی نیست بلکه نتیجه این است که شناخت های به دست آمده نه به فعالان سیاسی رسیده است و نه به فعالان فرهنگی، چه رسد به رسانه ها. باید واقعیات اجتماعی و فرهنگی مسلمانان را فهمید.



کابوس همگانی:

برداشت از اسلام به صورت تهدید از خارج در قرون ۲۰ و ۲۱ را می بایست به بحران گروگان گیری ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ مربوط دانست. تصویر بالا نقاشی دیواری ضد امریکائی در سفارت سابق امریکا در تهران

با اینحال، در صورت آگاهی بر واقعیات اجتماعی و فرهنگی مسلمانان که با جدائی شدید آن از غرب متغایر است یعنی در صورت آگاهی بر این که مسلمانان در غرب حامی پذیرش ارزشها و پیوند خویش با جوامع غرب می باشند، امیدواری وجود دارد.

من در کتاب خود «چرا غرب از اسلام هراس دارد؟» که بررسی اسلام در نظامات دموکراتیک غرب است به تجزیه و تحلیل گرایش ها و قضاوت های کلی در کشورهای غربی که اسلام را مخالف مدنیت و مسلمانان سنتی را تهدیدی درونی برای ارزشها و هویت های ملی و تهدیدی خارجی برای تمدن های غربی تصور می کنند، پرداخته ام. شگفت آور اینست که اینگونه رفتارها در مسلمانان مقیم کشورهای اروپایی یا ایالات متحده که توجیه کننده این هراس باشد، بر طبق تحقیقات اجتماعی فاقد هر گونه مبنائی است.

در واقع نیز رفتار مسلمانان با رفتار سایر شهروندان تفاوتی ندارد. بررسی های من نشان داده اند که مسلمانان در اروپا و ایالات متحده حتا به شدت بیشتری از سایر شهروندان به بنیادهای رسمی و دموکراتیک پایبند بوده و رفت و آمد آنها به مساجد پیوند آنها را در اجتماع در واقع تسهیل می نماید.



در آنسوی اقیانوس اطلس ضرورت نگارش جدید تاریخ ملی هست تا مسلمانان و اسلام به عنوان بخشی از حافظه و فرهنگ جامعه ملی که بدان تعلق دارند، تلقی گردند.

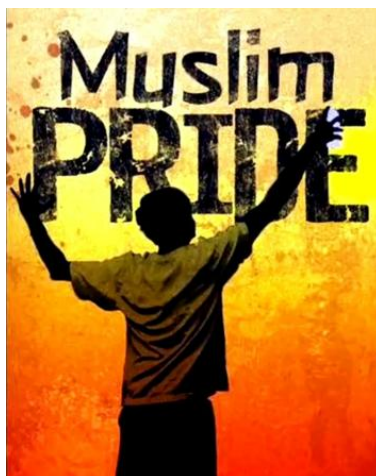
با اینحال تصور از مسلمانان به عنوان دشمنان داخلی نظامات دموکراتیک لیبرال، به صورتی که از قبل آماده شده و بر داده های تاریخی بنا شده است، با تصویر دشمن خارجی که به وجود آمده است ترکیب گشته اند.



در ایالات متحده امریکا برداشت از اسلام به صورت تهدید خارجی با ماجرای تکان دهنده گروگان گیری ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ آغاز گشت. از قرون وسطی به مسلمانان در غرب به عنوان غریبه نظر می شد. غرب با اعتبار از خود مبنی بر دارا بودن نظریات مترقی، ناسیون، انسان متکی بر خرد و جدائی مذهب از حکومت، خود را از امپراتوری های اسلامی متمایز می دانست. تازه پس از ارتباط اروپا با امپراتوری عثمانی بود که میان غرب و شرق ارتباطی برقرار گشت که موجب تغییرات مهمی در سیاست جهانی در قرن ۱۹ شد.

تفاوت سطح سواد

بسیاری از مسلمانان نسل پس از جنگ دوم جهانی در اروپا، دارای تبار مهاجری بوده و تقریباً ۵ درصد از ۴۲۵ میلیون جمعیت اروپا را تشکیل می دهند. چندین نسل از مهاجران به اروپا رسیده دارای توانائی های پائین بودند در حالی که اکثر مسلمانان در امریکا عموماً دارای سواد و توانائی های قابل استفاده در بازار کار می باشند. سطح پائین سواد و کم بودن امکانات شغلی موجب پائین بودن توان اقتصادی مسلمانان در اروپاست. علاوه بر آن قشر اجتماعی مسلمانان در اروپا اکثراً در قسمت های مجزائی از شهرها که دارای درصد بالائی از جنایتکاری و شرایط نامساعد می باشند، زندگی می کنند. در آنسوی اقیانوس اطلس ضرورت نگارش جدید تاریخ ملی هست تا مسلمانان و اسلام به عنوان بخشی از حافظه و فرهنگ جامعه ملی که بدان تعلق دارند تلقی گردند. این کار احتمالاً هنگامی می تواند به وقوع پیوندد که اسلام از علایق حزبی خارج شده و برای فعالان سیاسی، اجتماعی و مذهبی در تمامی طیف های اجتماع تبدیل به یک امر ملی گردد.



کوشش های به عمل آمده در بخش های فرهنگی و سیاسی در ۵۰ سال گذشته و پیوستن امریکاییان آفریقائی تبار در تاریخ امریکا نمونه های خوبی برای یک چنین مساعی جمعی می باشند. در رابطه با آینده اسلام، همکاری فعالان مذهبی میان تمامی ادیان ضروری است زیرا آنها نقش ویژه ای را برای گفت و گو میان اسلام و سایر ادیان توحیدی می توانند بر عهده گیرند. به قلم جوسلین سیزاری - ۲۳ ماه می ۲۰۱۳ در

<http://www.commongroundnews.org/article.php?id=32944&lan=en&sid=2&sp=0&isNew=1&partner=rss&emc=rss>

برگردان از: حمید بهشتی برگرفته از سایت قنطره ۳۱ ماه می ۲۰۱۳